

# کیمیان

**حدود و محدوده ولایت مسئولان**

ولایت یک اصطلاح قرآنی است که در حوزه‌های گوناگون به کار برده می‌شود. اصل این ماده بر قرب و نزدیکی دلالت می‌کند؛ یعنی میان دو چیز به گونه‌ای نزدیکی برقرار است که چیزی دیگری میان آنها فاصله نیست. این فارس می‌گوید: «واو، لام و بیه (ولی) بر قرب نزدیکی دلالت می‌کند و واژه ولسی به معنای قرب و نزدیکی است و کلمه مولی نیز از همین باب است.» (معجم مقاییب‌الله، ص ۱۱۰۴)
برخی گفته‌اند که واژه ولایت (بسر وزن هدایت) به معنای نصرت، و واژه ولایت (بر وزن شهادت) به معنای همچنین گفته شده که هر دو واژه یک معنا دارد و حقیقت آن همان تولى امر و به دست گرفتن کار است.» (مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ص ۵۲۳)

واژه ولایت در آغاز برای قسرب و محسوسات (قرب حسی) به کار رفته آنگاه برای قرب معنوی استعاره آورده شده است. بر این اساس هرگاه این واژه در امور معنوی به کار رود بر نوعی نسبت قرابت دلالت می‌کند و لازمه آن این است که ولی نسبت به آنچه بر آن ولایت دارد، دارای حقی است که دیگری نندارد و می‌تواند واژه ولایت در آغاز برای قسرب و محسوسات (قرب حسی) به کار رفته آنگاه برای قرب معنوی استعاره آورده شده است. بر این اساس هرگاه این واژه در امور معنوی به کار رود بر نوعی نسبت قرابت دلالت می‌کند و لازمه آن این است که ولی نسبت به آنچه بر آن ولایت دارد، دارای حقی است که دیگری نندارد و می‌تواند تصرفاتی را بنماید که دیگری جز به آن او نمی‌تواند؛ مثلا ولی میت می‌تواند در اموال او تصرف کند، ولی ولایت او ناشی از حق وراثت است. همچنین کسی که بر صغیر ولایت دارد حق تصرف در امور وی را دارد. کسی که ولایت نصرت دارد می‌تواند در امور منصور تصرف کند. همچنین خداوند ولی امر بندگان خویش است؛ یعنی امور دنیوی و اخسروی آنها را تدبیر می‌کند و او ولی مومنان است؛ یعنی بر آنان ولایت خاصی دارد.

بنابراین، معنای ولایت در همه موارد استعمال آن، گونه‌ای از قرابت و نزدیکی است که منشأ نوعی تصرف و مالک بودن تدبیر است. (المیزان، ج ۶، ص ۱۲)
به عبارت دیگر؛ ولایت نوعی قسرب و نزدیکی نسبت به چیزی است، به گونه‌ای که موانع و حجاب‌ها از میان برداشته می‌شود. (المیزان، ج ۵، ص ۳۶۸)
قرآن ولایت را منحصر به خدا دانسته است. (اعراف، آیه ۱۹۶؛ شوری، آیات ۲ و ۲۸ و ۲۱؛ بقره، ۱۰۷؛ عنکبوت، آیه ۲۲)
خداوند در آیه ۵۵ سوره مائده می‌فرماید: *انما ولیکم الله ورسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه و یؤتون الزکاه و هم باکرعون؛* چون این نیست که شما را گناه و رسول او و کسانی هستند که ایمان آورده‌اند، همانان که نماز را برپا می‌دارند و در حالی که راکع هستند زکات می‌دهند.

مفرد آوردن کلمه «ولی» علی‌رغم جمع بودن خبر آن، به روشنی بر این نکته توجه می‌دهد که ولایت رسول (خداوند) و دیگر واجدان شرایط، در طول ولایت خدا و بر تویی از ولایت الهی است. این بدان معناست که تنها

خدا خاستگاه هر ولایتی است که برای دیگری اثبات می‌شود. پس اگر ولایت حقیقی برای شخص یا منصبی اثبات شده منشأ آن خداوند است. ولایت پدر بر فرزند یا شوهر بر زن، یا ولایت امام بر امت و مانند آن، شاخه‌ای از ولایت الهی است. از آنجایی که ولایت غیر، از ولایت الهی سرچشمه گرفته است، مشروعیت ولایت و چارچوب اصول و شرایط و مقرراتی است که خداوند

اختیار بشر قرار گرفته است. در صورت هرگونه خیانت در امانت، این ولایت از شخص گرفته می‌شود و دیگر ولایتی بر این امر نخواهد داشت بلکه حتی تنبیه و مجازات خواهد شد.

## \*هر گونه وادادگی مسئولان در برابر دشمنان و توافق‌نامه‌هایی که اصول اساسی حقوق مردم را تضییع می‌کند و دین و موازین و فرائض الهی را مخدوش می‌کند، یا عزت و اقتدار جامعه را تهدید می‌نماید، عاملی برای مطالبه‌گری توده‌های مردم از مسئولان نظام ولایی در قوانین اسلامی است.

می‌بود، باید حمله این گونه بیان می‌شد: «لتحکم بین‌الناس به». یعنی به جای «بما اراک الله». از ضمیر استفاده می‌شد. پس آنچه ارائه شده غیر از قرآن است. این بدان معناست که تبعث پیامبر یا امام معصوم(ع)

خداوند در آیاتی از جمله آیه ۱۲۰ سوره بقره می‌فرماید: *ولسن ترضی عنک الیهود ولا برن امین نخواهد داشت بلکه حتی تتبع ملتهم قل ان هدی الله وهالهدی و لن تبعتها پیامبر یا امام معصوم(ع)*

## معارف Maaref@kayhan.ir

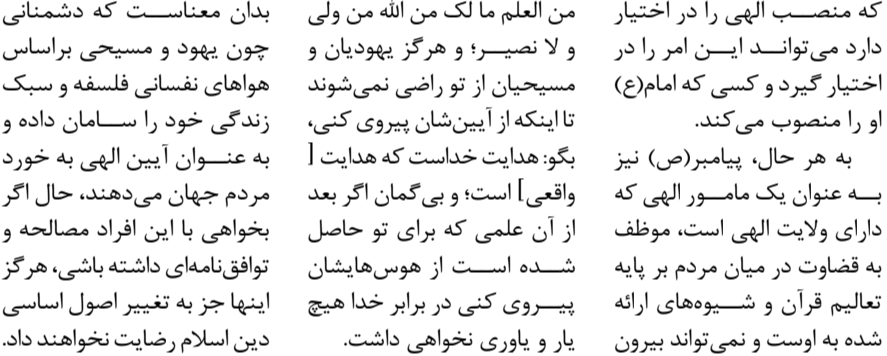
داشت. پس گمان اینکه با توافق‌نامه‌هایی می‌توان دشمن را به خود نزدیک کرد تا دست از دشمنی بردارد، گمانی نادرست و باطل است. از نظر قرآن حتی آیین موجود در میان یهود و نصارا، و مقررات الهی دعوت می‌کند، شاید یکی از مهمترین آیات، آیه ۲۵ سوره حدید باشد که خداوند می‌فرماید: *لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لقیوم الناس بالقسط و انزلنا الحدید فیه بأس آسمانی شکل گرفته است.* این

# وادادگی در برابر دشمن از دیدگاه قرآن

مر تفسی صالحیان

**بر اساس آموزه‌های قرآنی، نظام سیاسی جامعه بر پایه اصل ولایت و بنیاد گذاشته شده است. ولایت از امور انحصاری خداوند است که به برخی از افراد بر پایه جایگاه حقیقی یا حقوقی در چارچوب اصولی داده می‌شود. این بدان معناست که ولایت هر شخصی تنها در این چارچوب مشروعیت می‌یابد. نویسنده در مطلب حاضر با تبیین این چارچوب‌ها، مسئولیت و نقش مردم را در برابر رفتار خارج از چارچوب الهی را واکاوی کرده است.**

## \* از نظر قرآن حتی اگر مسئولیت پیامبری خویش بخواهد در اموری کوتاه بیاید، باید خود را آماده مجازات کند؛ چرا که بدیهی است اهتمام پیامبر(ص) برای جلب خشنودی یهود و نصارا شخصی و مانند آن نبود؛ بلکه در جهت ایفای وظیفه، یعنی گرایش دادن آنان به اسلام بود اما با این همه خداوند ایشان را تهدید می‌کند.



بدان معاناست که دشمنانی چون یهود و مسیحی براساس هوایهای نفسانی فلسفه و سبک زندگی خود را سامان داده و با دلیل‌های روشن (معجزات) به عنوان آیین الهی به خود مردم جهان می‌دهند، حال اگر بخواهی با این افراد مصالحه و توافق‌نامه‌ای داشته باشی، هرگز اینها جز به تغییر اصول اساسی دین اسلام رضایت نخواهند داد.

از نظر قرآن خداوند در آیه مذکور، پیامبر(ص) را در صورت تبعیت از آیین یهود و نصارا، به محروم کردنش از پشتیبانی و یاری خود و نیز تقویت‌هایی بخواهی با این افراد مصالحه و تهدید کرده و می‌فرماید: *ولن اتبعن اهواهم بعد اللی جاءک خشنودی یهود و نصارا برای دستیابی به منافع شخصی و مانند آن نبوده؛ بلکه در جهت ایفای وظیفه، یعنی گرایش دادن آنان به اسلام بود اما با این همه خداوند ایشان را تهدید می‌کند.*

از نظر قرآن دشمنان اسلام حمایت از روانشان، سوی رهبر و ولی، حرام است و اگر چنین حمایتی صورت گیرد برخلاف حدود و شرایط الهی مشروعیت ولایت خواهد بود. **هشدار به پیامبر(ص) در صورت تخلف**

در آیات قرآن حتی به پیامبر(ص) با آن عظمت و جایگاه و ولایت الهی، هشدار داده که اگر برخلاف شرایط ولایت عمل کند به سرعت در همین دنیا مجازات خواهد شد و نه تنها سلب ولایت می‌شود بلکه هیچ گونه نصرتی از سوی خداوند کسب نکرده و باید خود را برای مجازات ابدی

شدید و منافع للناس ولیعلم الله من ینصره و رسله الخلیب ان الله و جمعه بر پایه کتب آسمانی و موازین قسط و عدل کوتاه نمی‌آیند. بنابراین، سکوت مردم در برابر وادی سیاسی در برابر دشمن و پذیرش توافق‌نامه‌های خفت‌بار و ذلت‌آفرین نه تنها جایز نیست بلکه برخلاف بندگی و مسلمانی است.

مسئولان حق ندارند مردم را از نقد و انتقاد نسبت به گفتارها و رفتارهای غیر مسئولانه و آن گوشزد شده که هدف از آموزه‌های وحیانی، آشنایی مردم با حقوق خودشان و ایفای عدالت و سهم‌خواهی از همه به ویژه دولت‌مردان هستند؛ چرا که قدرت در اختیار آنان است و لازم است این حق مطالبه شود. هر کسی باید یاد بگیرد که براساس معیارهای الهی و حقوق شناخته شده و پذیرفته شده، حقوق خود و دیگران را مطالبه کرده و حق خود را از دیگران بستاند.

در این آیه خداوند می‌فرماید که میزان از سوی خداوند برای مردم فرستاده شده است؛ این یعنی این‌که معیارهای الهی برای رعایت حق و عدل وجود دارد و تنها مردم باید آن را بشناسند و براساس آن عمل و پاری خداوند خواهند بود. همچنین از آیه به دست می‌آید که استعمار و بی‌عدالتی اقتصادی، از مشکلات عمده و اساسی جوامع در طول تاریخ است و هدف رسالت پیامبران، در مرحله نخست تربیت انسان‌های عادل و

بلکه بر مردم است تا به امر به معروف و نهی از منکر قیام کرده و اولیای امور را برحذر دارند. آیات قرآنی متعددی وجود دارد که مردم را به مطالبه‌گری از نظر قرآن حتی آیین موجود در میان یهود و نصارا، و مقررات الهی دعوت می‌کند، شاید یکی از مهمترین آیات، آیه ۲۵ سوره حدید باشد که خداوند می‌فرماید: *لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لقیوم الناس بالقسط و انزلنا الحدید فیه بأس آسمانی شکل گرفته است.* این

که اصول اساسی حقوق مردم را تضییع می‌کند و دین و موازین و فرائض الهسی را مخدوش می‌کند، یا عزت و اقتدار جامعه را تهدید می‌نماید، عاملی برای مطالبه‌گری توده‌های مردم از مسئولان نظام ولایی در قوانین اسلامی است.

در حقیقت حقوق شهروندی امت اسلام اقتضا می‌کند که مردم، مطالبه‌گر حقوق خود در همه حوزه‌های فرهنگی، نظامی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و مانند آن باشند.

براساس این آیه و آیات دیگر قرآن، دینداران راستین، کسانی‌اند که به یاری خدا برمی‌خیزند و با دشمنان دین او به جهاد و پیکار می‌پردازند و به هیچ وجه از حقوق خود کوتاه نمی‌آیند. بنابراین، سکوت مردم در برابر وادی سیاسی در برابر دشمن و پذیرش توافق‌نامه‌های خفت‌بار و ذلت‌آفرین نه تنها جایز نیست بلکه برخلاف بندگی و مسلمانی است.

مسئولان حق ندارند مردم را از نقد و انتقاد نسبت به گفتارها و رفتارهای غیر مسئولانه و آن گوشزد شده که هدف از آموزه‌های وحیانی، آشنایی مردم با حقوق خودشان و ایفای عدالت و سهم‌خواهی از همه به ویژه دولت‌مردان هستند؛ چرا که قدرت در اختیار آنان است و لازم است این حق مطالبه شود. هر کسی باید یاد بگیرد که براساس معیارهای الهی و حقوق شناخته شده و پذیرفته شده، حقوق خود و دیگران را مطالبه کرده و حق خود را از دیگران بستاند.

در این آیه خداوند می‌فرماید که میزان از سوی خداوند برای مردم فرستاده شده است؛ این یعنی این‌که معیارهای الهی برای رعایت حق و عدل وجود دارد و تنها مردم باید آن را بشناسند و براساس آن عمل و پاری خداوند خواهند بود. همچنین از آیه به دست می‌آید که استعمار و بی‌عدالتی اقتصادی، از مشکلات عمده و اساسی جوامع در طول تاریخ است و هدف رسالت پیامبران، در مرحله نخست تربیت انسان‌های عادل و

## چراغ راه

**اجر هزاران شهید برای منتظران واقعی**
**قال الامام السجّاد(ع): «من ثبت علی مولانا فی غیبه قائما، اعطاه الله عزوجل اجرالف شهید من شهداء بدر و احد».**
امام سجّاد(ع) می‌فرماید: آنکه در زمان غیبت قائم ملاحظ(ع) بر ولایت (و دوستی) ما استوار بماند، خداوند اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد را به او عطا خواهد کرد. (۱)

۱- منتخب‌الآثر، ص ۵۱۳

### حکایت خوبان

### تحقق عدالت در همه ابعاد

فضیل نقل می‌کند: از امام صادق(ع) شنیدم که فرمود: آن گاه که قائم(ع) ما قیام می‌کند، آزار و اذیت‌هایی که از سوی مردم نادان به او می‌رسد بیشتر از آزارهایی است که نادانان جاهلیت نسبت به رسول خدا(ص) روا می‌داشتند. از حضرت پرسیدم: چگونه؟ فرمود: پیامبر(ص) در حالی به پیامبری برگزیده شد که مردم سنگ و چوب‌های تراشیده شده را پرستش می‌کردند، اما قائم ما در حالی قیام می‌کند که هر کس (مطلق رای و نظر خودش) کتاب خدا را تاولی می‌کند و (با تاولی و تفسیر خود) علیه امام(ع) استدلال می‌کند (امام صادق(ع) سپس فرمود): به خدا سوگند (قائم) عدالت خود را همانند گرما و سرما در خانه‌های مردم جای می‌دهد (و کسی را یزایی گریز از عدالت وی نیست).<sup>(۱)</sup>

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲

### پرسش و پاسخ

### رویت امام‌زمان (عج)

پرسش:

**در عصر غیبت کبری کسی که ادعای روّیت یا مشاهده امام زمان(عج) را داشته باشد آیا صحیح و معتبر است؟**

پاسخ:

شکی نیست که براساس آموزه‌های دینی، امام زمان(عج) در عصر غیبت کبری به مسلمانان بویژه شیعیان توجه و عنایت خاصی دارند و به تعبیر یکی از روایات همانند انتفاع خورشید این بهرمنندی صورت می‌گیرد. از طرفی حضرت در مجامع مختلف حضور پیدا می‌کند. بین مردم رفت و آمد دارد، در مشاهد مشرفه به خصوص در ایام حج در مکه و عرفات حضور دارند، آن حضرت مردم را مشاهده می‌کند و مردم نیز ایشان را می‌بینند، اما او را نمی‌شناسند.بنابراین آثار وجودی و برکات معنوی و مادی امام عصر(عج) براساس آموزه‌های وحیانی در عصر غیبت کبری برکسی پوشیده نیست. اما سخن در این است که کسی ادعای رویت یا مشاهده حضرت را داشته کند که واسطه فیض است و ارتباط خاصی با حضرت حجت دارد. تا چه اندازه معتبر است؟ این سخن براساس توفیق شریف حضرت مهدی(عج) می‌باشد و در واقع معنی خاص خود «علی بن محمد سمری» مردود شناخته شده و فرد مدعی کذاب و دروغگو معرفی شده است.

در توفیع منسوب به آن حضرت خطاب به نائب چهارم آمده است: *«ای علی‌بن محمد سمری! خداوند اجر برداران دینی تو را در سوگ تو افزون کند، تو زندگی را ریش روز دیگر ببردود خواهی گفت. کار خویش را مسامان بخش و به کسی درمورد جانشینی خود (در نیابت خاصه) صحبت نکن که غیبت کامل کبری آغاز گردیده و ظهور جز به آن الهی تحقق نیابد، و آن پس از مدتی دراز و قساوت لها برانگنده شدن زمین از محور ستم خواهد بود. آگاه باشی، هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای مشاهده ما را داشته باشد، سخت دروغگو و افترا زننده است.»* (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۴۰)

از این توفیع استفاده می‌شود، کسانی که پیش از خروج سفیانی و شنیده شدن صیحه آسمانی، ادعای رویت و مشاهده حضرت را داشته باشند، «کذاب و مفتری» خواهند بود، و تکذیب آنان لازم است، و این سخن تا روز قیامت و هنگام ظهور حضرت بر مسلمانان حجت است و باید مدعیان دروغگو را تکذیب و طرد کنند. بنابراین مراد از توفیع مذکور، نفی ادعای اختیاری بودن مشاهده و روّیت و ارتباط با امام زمان(عج) می‌باشد، یعنی اگر کسی مشاهده و ارتباط را به اختیار خود ادعا کند، به این صورت که هر وقت بخواهد خدمت امام عصر(عج) شرفیاب می‌شود و با آن حضرت ارتباط پیدا می‌کند، کذاب و افترا زننده است و این ادعا از احدی در غیبت نیست که کسی با کسب فضائل، تقوا و معنویت و شایستگی و قابلیت لازم می‌تواند به حضور امام برسد و آن حضرت را درک کند، چراکه ارتباط معنوی با امام در آیات و روایات تأکید شده و این ارتباط با بهره‌گیری از تقوا، تهذیب نفس، و توسل به اهل‌بیت(ع) به ویژه ساحت مقدس امام زمان(عج) امکان‌پذیر است، شاید بر همین اساس باشد که یکی از وظایف شیعیان در زمان غیبت، دعا برای امام زمان و توسل به آن حضرت بیان شده است. (منتهی‌الامال، ص۵۵۹). ارتباط معنوی بدان معنا نیست که انسان امام زمان را ملاقات کند، بلکه باید با امام ارتباط معنوی برقرار کند و همیشه به یاد او باشد و او را در تمام اعمال ناظر بدارند. هرگاه چنین ایقالت مستقیم با حضرت طبق مصالح غیبت مسدود شد، و اگر قرار باشد هرکس متولّد با حضرت ارتباط داشته باشد و ارتباط را به اطلاع همه برساند خلاف (احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶)

در این زمینه امام علی(ع) می‌فرماید: *«سوگند به خدا، حجت خدا میان مردم هست، در کوچه و بازار گام برمی‌دارد، به خانه‌های آنان وارد می‌شود، در شروق و غرب جهان به سیاحت می‌پردازد، گفتار مردمان را می‌شنود، بر اجتماعات آنان وارد شده، سلام می‌دهد، او مردم را می‌بیند»* (غیبت نعمانی، ص ۷۲)
بنابراین توفیع شریف حضرت به نائب چهارم، جلوی شیطان و حقه‌بازان و دروغگوین که قصد سوءاستفاده از عقاید و احساسات مردم را دارند را می‌گیرد تا هرکسی نتواند ادعای ارتباط کند و مردم را فریب دهد و دیگر اینکه بعد از اتمام غیبت صغری و شروع غیبت کبری راه ارتباط مستقیم با حضرت طبق مصالح غیبت مسدود شد، و اگر قرار باشد هرکس متولّد با حضرت ارتباط داشته باشد و ارتباط را به اطلاع همه برساند خلاف (احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶)

### سلوک عارفانه

### مقام رضای سالک

(بدان ای سالک خدا(خال) رضا عبارت است از خشنودی بنده از خداوند قضا و قدر، او و مقابل آن سخط است. درجه اول رضا، رضا به ربوبیت خداوند است، و درجه دوم آن، رضا به قضا و قدر او. مبادی رضا عبارت است از: عدم به جمیل بودن ذات و صفات و فعل خداوند، ایمان به آن، رسیدن به اطمینان، رسیدن به مقام مشاهده احادیث متعددی از آن معصومین(ع) در فضیلت رضا و در ذم سخط نقل شده است که با ملاحظه آنها و نیز احادیث در بیان ابتلای مومنان، دانسته می‌شود که باید در برابر ناملایمات و بلاها شکیبا بود و از مقام رضا خالی نکرد.<sup>(۱)</sup>

۱- شرح حدیث جنود عقل و جهل، امام خمینی(ره)، ص ۹۵

صفحه ۶

یکشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۹۴

۱۲ شعبان ۱۴۳۶ - شماره ۲۱۰۷۲

